

بسم الله الرحمن الرحيم

رای داوری

رای داوری با موضوع صدور حکم محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۸۶۹,۲۸۹,۹۱۵ ریال بابت وجه هشت فقره چک ثمن قرارداد شماره ۱۵۶۷۴/۹۳ مورخ ۹۳/۰۳/۲۶ با احتساب هزینه های دادرسی و حق الوکاله و خسارات تاخیر تادیه از تاریخ عدم وصول چک ها تا زمان پرداخت/

خواهان (و خوانده دعوای تقابل): شرکت خصوصی ... با وکالت

خوانده (وخواهان دعوی متقابل): آقای ... با وکالت آقای ...

خواسته خواهان اصلی: صدور حکم محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۸۶۹,۲۸۹,۹۱۵ ریال بابت وجه هشت فقره چک ثمن قرارداد شماره ۱۵۶۷۴/۹۳ مورخ ۹۳/۰۳/۲۶ با احتساب هزینه های دادرسی و حق الوکاله و خسارات تاخیر تادیه از تاریخ عدم وصول چک ها تا زمان پرداخت

خواسته خواهان دعوای تقابل: صدور حکم به محکومیت خوانده دعوی تقابل به خسارات ناشی از تخلفات قراردادی و عدم اجرای برخی از ماده های قرارداد بر اساس نظریه های کارشناسان دادگستری

مرجع رسیدگی: داور مرضی الطرفین منتخب بین طرفین دعوی

داور پرونده: آقای آرش سماک عابدی

گردش کار پرونده :

خواهان دعوای اصلی در تاریخ ۹۵/۰۲/۱۱ درخواست داوری بین خوانده و خواهان به خواسته وصول وجه ۸ فقره چک برگشتی ثمن قرارداد شماره ۱۵۶۷۴/۹۳ مورخ ۹۳/۰۳/۲۶ در اعتبار خواهان قرار گرفته لکن در سررسید مشخص شده به علت نبود موجودی کافی چک های مذکور پرداخت نشده برگشت خورده است و پس از دفعات درخواستی مکرر به جهت کارسازی چک های دریافتی ، از صاحب چک متاسفانه از پرداخت و کارسازی چک جلوگیری بعمل می آید و به همین جهت خواهان طبق

اضهارنامه ای به خواننده اعلام می دارد با توجه به وجود داور در قرارداد طرفین داور خود را نیز معرفی نماید که پس از جلسات بین خواهان و خواننده داور فوق الذکر معرفی و مقرر گردید که تصمیم داور برای طرفین قطعی و واجب الاجرا می باشد .

طرفین دعوی اسناد و مدارک و لوایح خود را ارائه نمودند که حاکی است قرارداد و صورت جلسه تحویل و همچنین کپی چک ها و گواهی های عدم پرداخت اعلام می نماید که در اجرای قرارداد مذکور خواهان به تعهدات خود عمل نموده و مورد معامله به صورت صحیح و سالم به خواننده تحویل گردیده و صورت جلسه تحویل نیز امضا شده است ولی وجه چک ها که همگی عهده بانک صادرات بابت ثمن معامله در اختیار خواهان قرار گرفته اند برگشت شده اند و تقاضای رسیدگی به استناد مواد ۲۲۸ قانون مدنی و ۱۹۸ ؛ ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی با احتساب هزینه های دادرسی و حق الوکاله و خسارات تاخیر نادیه از تاریخ عدم وصول چک ها تا زمان پرداخت را نموده است.

داور منتخب ، طی نامه شماره ۹۵/۰۰۸۳/س مورخ ۹۵/۰۲/۳۰ درخواست خواهان را به خواننده ارسال نمود و خواهان وکیل خود را طی نامه ای به داور منتخب معرفی نمود که تمامی احضاربه ها ، جلسات رسیدگی ، نظریه های کارشناسی ، دادنامه ها و غیره به خواهان و خواننده و وکلای محترمشان ارسال میگردد.

در تاریخ ۹۵/۰۲/۱۱ طرفین دعوی ، امضاءکننده ذیل این رای را ، به سمت داور واحد تعیین و به طرفین ابلاغ می نماید تا چنانچه اعتراض یا جهات ردی به داور تعیین شده دارند مراتب را اعلام نمایند. وکیل خواهان طی نامه شماره ۹۵/۰۲/۱۷ مورخ ۹۵/۰۲/۱۷ قبولی خود را در خصوص داور تعیین شده اعلام می کند و خواننده جهات ردی اعلام نمی کند. داور تعیین شده نیز قبولی خود را در تاریخ ۹۵/۰۲/۲۱ به طرفین دادخواست اعلام می نماید.

با دعوت از طرفین و وکلای آنها جلسه ای در تاریخ ۹۵/۰۲/۲۶ در محل داور تشکیل می گردد. طرفین دعوی در جلسه حاضر نمیگردند ولی وکلای آنها بدون شرکت در جلسه لوایح خود را ارسال نمودند.

وکیل خواننده در لایحه ارسالی ضمن ایراد به صلاحیت مرکز دآوری اعلام می نماید که موضوع اختلاف بنا به درخواست خواهان و با در نظر گرفتن محل انعقاد قرارداد و حوزه قضائی مربوطه که قبلاً موضوع را بررسی کرده ؛ در شهر مشهد است و لذا رسیدگی در خصوص موضوع دآوری ؛ طرفین دعوی ؛ اختلاف واحد و قرارداد واحد به صورت همزمان در دو مرجع رسیدگی مغایر با مقررات است. وکیل خواننده نیز در لایحه تقدیمی اعلام می نماید که اولاً مرجع حل اختلاف در قرارداد داوران تهران که ثبت در سامانه جامع دآوری تعیین شده است که محل آن در تهران است و ثانیاً خواهان با توجه به صلاحیت مرکز دآوری تهران دعوی مطروح در شهر مشهد انصراف داده است.

ماده ۷ قرارداد طرفین در خصوص نحوه حل اختلافات به شرح زیر نگارش یافته است:

۷-۱ «در صورت بروز اختلاف یا مشکل احتمالی طرفین باید به صورت دوستانه حل و فصل نمایند.

۷-۲ در صورت عدم حل اختلاف با تعیین حکم از طرفین؛ حل و فصل اختلاف با حکمیت خواهد بود و نظر حکمیت برای طرفین لازم الاجرا می باشد.

۷-۳ در غیر این صورت عدم حل اختلاف داور مرضی الطرفین تعیین شده از سوی خواهان و خواننده بر طبق گزارش کتبی حکم و استماع طرفین قرارداد مرجع حل اختلاف خواهد بود.

با توجه به نگارش ناصحیح متن ماده مذکور که تشخیص قصد و نیت طرفین را در نحوه حل و فصل اختلافات با مشکل مواجه نموده است، داور پرونده مقرر می نماید تا جلسه دیگری به تاریخ ۹۵/۰۳/۱۱ با حضور اصحاب دعوی تشکیل گردد تا از موضوع رفع ابهام شود.

داور طی نامه مورخ ۹۵/۰۳/۰۳ به طرفین دعوی ابلاغ و جلسه دوم در وقت تعیین شده با حضور طرفین دعوی و وکلای آنها در محل داور تشکیل شد.

وکیل خواهان در جلسه رسیدگی اعلام می نماید که رسیدگی به موضوع از طریق ارجاع به حکمیت در مشهد انجام شده است ولی به لحاظ طولانی شدن رسیدگی و با عنایت به بند ۳-۷ قرارداد که اتاق داوری تعیین شده است اقدام به طرح دعوی حاضر نموده است ضمن اینکه شعبه دادگاه تجدید نظر استان شهر..... نیز اتاق داوری را مرجع حل اختلاف اعلام نموده است.

وکیل خوانده نیز در پاسخ اعلام می نماید که طبق قوانین و مقررات داوری چنانچه داور به هر علتی از انجام داوری نا توان باشد و یا موضوع از طریق داور حل و فصل نگردد قرارداد ارجاع داوری باطل می گردد نه آنکه مسأله مجدداً در مرجع هم عرض رسیدگی شود. ضمن اینکه فردی به نام در اجرای بند ۲-۷ قرارداد به عنوان حکم اقداماتی کرده است که نتیجه ای در بر نداشته و در مرحله بعد اتاق داوری مشهد به عنوان داور موضوع بند ۳-۷ قرارداد وارد رسیدگی شده است. وکیل خوانده در پاسخ به این سوال داور که آیا موافقت نامه کتبی تعیین آقای به عنوان حکم موضوع بند ۲-۷ قرارداد وجود داشته است اظهار می نماید که توافق کتبی وجود نداشته است ولی اتاق داوری در مشهد این موضوع را تأیید می نماید و ثانیاً افرادی حاضر به شهادت هستند.

در ادامه جلسه طرفین دعوی توافق می نمایند مدت داوری سه ماه دیگر تمدید گردد.

با توجه به مطالب مطرح شده در جلسه رسیدگی از اتاق داوری مشهد استعلام شد که آیا حکمیت موضوع بند ۲-۷ قرارداد را شخصی به نام انجام داده و اتاق داوری مشهد به عنوان داور موضع بند سه ماده ۷ قرارداد وارد رسیدگی شده است؟ و اینکه آیا در حال حاضر نیز موضوع در آنجا در حال بررسی است و یا اینکه موضوع مختومه شده است؟

کمیسیون حل اختلاف اتاق داوری در پاسخ به استعلام انجام شده ؛ طی نامه شماره مورخ ۹۵/۰۳/۳۱ اعلام می نماید که: الف: آقای مهندس به عنوان حکم قرارداد موضوع اختلاف دخالت نکرده اند ف زیرا اولاً طرفین توافقی جهت حکمیت و داوری ایشان نکرده اند ثانیاً مفاد صورت جلسه داوری نیز ناظر به تعرفه کانون کارشناسان تهران است. ب: دخالت کمیسیون حل اختلاف اتاق داوری مشهد نیز صرفاً به منظور برقراری صلح و سازش فی مابین طرفین بوده است ، زیرا اولاً توافق نامه داوری بین طرفین جهت حکمیت این کمیسیون وجود ندارد ثانیاً به موجب قرارداد مرجع حل اختلاف اتاق داوری تهران تعیین شده است.

تصمیم داور در خصوص ایراد خوانده به عدم صلاحیت

با عنایت به ماده ۷ قرارداد، اظهارات اصحاب دعوی و وکلای آنها و نامه های واصله از کمیسیون حل اختلاف اتاق بازرگانی به نظر می رسد طرفین دعوی برای حل و فصل اختلافات خود سه مرحله را به شرح زیر پیش بینی نموده اند:

۱- حل و فصل اختلافات به صورت دوستانه و از طریق مذاکره.

۲- در صورت عدم حل اختلاف ؛ ارجاع موضوع به حکم مرضی الطرفین

۳- در صورت عدم حل و فصل موضوع توسط حکم، رسیدگی به موضوع از طریق اتاق بازرگانی ایران با عنایت به گزارش کتبی حکم.

در پرونده حاضر به علت عدم امکان توافق بین طرفین، حل اختلاف از طریق ارجاع موضوع به حکم مرضی الطرفین به اتاق داوری مشهود محول شده است و ادعای وکیل خواننده به اینکه حکمیت (مرحله دوم) را آقای مهندس انجام داده است؛ به علت فقدان هرگونه توافقنامه کتبی و همچنین اتاق داوری مشهود هرگونه حکمیت آقای را نفی کرده قابل قبول نیست. دخالت اتاق داوری مشهود در حل اختلاف نیز بنا به اعلام کتبی مرجع مذکور صرفاً به منظور برقراری صلح و سازش فی مابین طرفین و در اجرای بند ۲ از ماده ۷ قرارداد بوده است.

همچنین طبق ماده ۳ از قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران محل مرکز داوری در شهر تهران است. بنابراین کمیسیون های حل اختلاف مستقر در مراکز استان ها و یا شهرهای دیگر مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران محسوب نمی گردند. به علاوه طرفین عملاً در جلسات رسیدگی در مرکز داوری شرکت کردند و حتی با تمدید مدت داوری موافقت کرده اند.

لذا با توجه به مطالب مذکور و اسناد موجود در پرونده و با تلقی کردن نامه شماره مورخ ۹۵/۰۳/۳۱ کمیسیون حل اختلاف اتاق داوری مشهود به عنوان گزارش کتبی حکم موضوع بند سه از ماده ۷ قرارداد صلاحیت مرکز داوری اتاق ایران محرز است و داور منتخب نیز خود را صالح به رسیدگی تشخیص می دهد.

رسیدگی به ماهیت دعوی :

جلسه اول رسیدگی به ماهیت دعوی در تاریخ ۹۵/۰۲/۲۶ ، جلسه دوم در تاریخ ۹۵/۰۳/۱۵ و جلسه سوم در تاریخ ۹۵/۰۴/۲۱ به تصدی داور پرونده تشکیل و اظهارات طرفین استماع می گردد. وکیل خواننده در تاریخ ۹۵/۰۲/۲۶ و قبل از تشکیل جلسه دوم دادخواست تقابل خود را به مرکز داوری تقدیم می نماید. با توجه به تقاضای وکیل خواهان دعوی تقابل به ارجاع موضوع به کارشناس رسمی دادگستری، تعیین و مقرر می گردد کارشناس مذکور با حضور در محل و بازدید از ماشین آلات در خصوص کشور سازنده، ظرفیت دستگاه، مدل و سال ساخت، ظرفیت کمپرسور هوا، تاریخ عملی و راه اندازی و علت تاخیر، ارزش واقعی تجهیزات در زمان تحویل، هزینه راه اندازی و تفاوت قیمت دستگاه موجود با دستگاه مندرج در قرارداد اظهار نظر نماید. نظریه کارشناس در تاریخ ۹۵/۳/۲۱ واصل و به نظر کارشناس، کشور سازنده، ظرفیت دستگاه، سال ساخت و ظرفیت کمپرسور هوای ماشین آلات موجود با مشخصات مندرج در قرارداد مطابقت نمی نماید.

نظریه کارشناس به طرفین ابلاغ و اعلام می گردد چنانچه اعتراض و یا ایرادی به نظریه کارشناس دارند اعلام نمایند خواهان دعوی در مهلت تعیین شده اعتراضی نمی کند. وکیل خواهان دعوی تقابل طی نامه شماره مورخ ۹۵/۴/۰۲ درخواست می نماید تا جهت تعیین میزان دقیق خسارات وارده به موکلشان از کارشناس درخواست شود تا در خصوص فقرات ۱، ۲، ۴، ۵

گزارش، ارزش ربالی محاسبه و اعلام شود. داور پرونده گزارش کارشناس را کافی دانسته و نیازی به استعلام مجدد از کارشناس نمی بیند. خواهان دعوی اصلی نیز در تاریخ ۹۵/۰۴/۰۹ به نظریه کارشناس اعتراض و تقاضای ارجاع موضوع به تعاونی اکسیژن داران را می نماید ولی به نظر داور پرونده به علت کفایت نظریه کارشناس و همچنین اعتراض و درخواست خارج از موعد تعیین شده، نیازی به ارجاع امر به تعاونی اکسیژن داران نیست.

خلاصه ادعاها و مدافعات و مطالب مطرح شده طرفین دعوی و وکلای آنها در جلسات رسیدگی به شرح زیر است:

ادعاهای خواهان دعوی اصلی :

۱- خواهان به موجب قرارداد شماره ۱۵۶۷۴/۹۳ مورخ ۹۳/۰۳/۲۶ اقدام به فروش یک دستگاه هواساز UB ۰۸ مدل ۲۰۰۶، ساخت کشور اوکراینی به خواننده نموده و از بابت بخشی از ثمن معامله هشت فقره چک جمعاً به مبلغ ۸۶۹,۲۸۹,۹۱۵ ریال از خواننده دریافت نموده است که به علت عدم موجودی برگشت خورده اند، دستگاه مورد معامله به صورت صحیح و سالم به خواننده تحویل و خواننده با امضای صورت جلسه تحویل کالا، دستگاه را از نظر سلامت، قطعات، مدل و میزان ظرفیت تولید تأیید و تصدیق نموده است. با توجه به ماده ۳۶۲ قانون مدنی، تعهد فروشنده به تسلیم مبیع و تعهد خریدار با دریافت مبیع می بایست ثمن را می پرداخته است.

۲- با توجه به وصف تجریدی چک ها، رسیدگی به موضوع چک ها می بایست با عدم توجه به تعهد سابق و قرارداد فی مابین مورد رسیدگی قرار گیرد و بقای آن در ید خواهان نشان از اشتغال ذمه خواننده به پرداخت وجه چک ها دارد.

۳- چنانچه موضوع قرارداد با مشخصات مندرج در قرارداد مطابقت نداشته است، خواننده می توانسته است قرارداد را فسخ کند و حق حبس بخشی از ثمن را نداشته است. خواننده دعوی اصلی اقدام به فسخ قرارداد نکرده بنابراین به کیفیت موجود مبیع را قبول نموده و در نتیجه متعهد به پرداخت وجه است.

۴- با توجه به اینکه ماشین آلات موضوع قرارداد پس از خرید از شرکت اوکراینی مستقیماً به کارگاه خریدار منتقل شده است و دستگاه مورد نظر به مدت یک سال گارانتی سازنده را داشت، لذا چنانچه موضوع عدم مطابقت در مهلت متعارفی به فروشنده اعلام می شد، در این صورت امکان استرداد دستگاه به سازنده و تأمین بدل وجود داشت ولی با توجه به تاخیر بیش از یک سال و استفاده از ماشین آلات، امکان استرداد و تأمین بدل منتفی شده است و در واقع خواننده با تاخیر و تعلل در اعلام نقص ادعایی، به ضرر خود اقدام کرده و خواهان مسئولیتی ندارد.

دفاع خواننده و طرح دعوی متقابل :

مطالب وکیل خواننده دعوی اصلی در مقام دفاع و همچنین به عنوان خواهان در دعوی تقابل به شرح زیر است:

الف) دفاع خواننده :

۱- طبق قرارداد یک دستگاه ماشین آلات تولید گاز اکسیژن مدل ۲۰۰۶ با ظرفیت UB ۰۸ ساخت ایتالیا، به مبلغ ۸۶۹,۲۸۹,۹۱۵ ریال به خواننده فروخته شده است ولی کشور سازنده، سال ساخت و ظرفیت دستگاه تحویلی با مشخصات مندرج در قرارداد مغایرت دارد و برای اثبات این ادعا تقاضای ارجاع موضوع به کارشناس را می نماید.

۲- امضای خواننده دعوای اصلی در صورت جلسه تحویل به معنای تخلیه دستگاه در محل کارخانه بوده و مثبت اصالت و انطباق آنها با مشخصات موجود در قرارداد نیست.

۳- چک های موضوع دعوی در اجرای قرارداد در اختیار خواهان دعوای اصلی قرار گرفته و عدم توجه محاکم دادگستری در مرحله بدوی و تجدید نظر که بدون ورود به ماهیت دعوی و توجه به وصف تجریدی چک ها، قرار عدم صلاحیت خود را به صلاحیت مرکز داوری صادر کرده اند، موید این ادعا است. ضمناً وجه چک های مورد نظر به حساب دادگستری تودیع شده است.

ب) دعوی تقابل :

۱- باتوجه به مغایرت مشخصات ماشین آلات تحویلی با مشخصات مندرج در قرارداد که در این خصوص تقاضای ارجاع موضوع به کارشناس شده است، خسارات ناشی از تخلفات قراردادی و عدم اجرای برخی از مفاد قرارداد مورد تقاضا است و مبلغ خواسته فعلاً با احتساب دعوی اصلی و مازاد آن به مبلغ ۸۰ میلیون ریال تقویم می گردد.

۲- مدت اجرای قرارداد ۶ ماه و مدت نصب و راه اندازی و آموزش ۳ ماه بوده است و ماشین آلات می بایست در تاریخ ۹۴/۰۱/۱۸ شروع به کار می کردند. در حالی که ۶ ماه پس از تاریخ مذکور ماشین آلات راه اندازی شده اند و به علت تاخیر صورت گرفته خساراتی به علت پرداخت بی مورد حقوق کارگران، تاخیر در بهره برداری و شروع به بازپرداخت تعهدات بانکی به خواننده وارد شده است.

۳- به موجب ماده ۵ قرارداد فوق الذکر ، هزینه نصب و راه اندازی با فروشنده بوده است که به علت استنکاف فروشنده از انجام تعهد، خواننده شخصاً عهده دار هزینه ها شده است.

۴- خواننده دعوی تقابل قبلاً مبلغ ۷۰ میلیون ریال طبق رسید پیوست بابت چک های موضوع دعوی از خواهان دعوی تقابل وصول نموده است.

ارزیابی دعوای طرفین و پاسخ های ارائه شده :

۱- ادعای وکیل خواهان در دعوی اصلی در خصوص تحویل صحیح و سالم و مطابق با مشخصات مندرج در قرارداد به موجب نظریه کارشناس رسمی دادگستری که ماشین آلات موجود را از نظر سال ساخت، کشور سازنده و ظرفیت آن مغایر با مشخصات مندرج در قرارداد دانسته است و نظریه مذکور علیرغم ابلاغ به خواهان دعوی اصلی در مهلت تعیین شده مصون از هرگونه ایراد باقی مانده است قابل پذیرش نیست.

۲- در خصوص ادعای دیگر وکیل خواهان دعوی اصلی در خصوص تجریدی بودن وصف چک ها این تذکر لازم است که اصل عدم استماع ایرادات در اسناد تجاری مجوزی برای استفاده بلاجهت و دارا شدن بلا سبب نیست و اکل مال به باطل نمی توان کرد و انتقال مال از شخصی به شخص دیگر صرفاً بر مبنای رضایت طرفین امکان پذیر است. طبق رویه قضایی موجود نیز، وصف تجریدی اسناد تجاری زمانی قابل استناد است که سند تجاری از دارنده اولیه به شخص ثالث منتقل شده باشد که در این صورت دارنده ثانویه سند تجاری در قبال ادعای صادر کننده می تواند به وصف تجریدی سند تجاری استناد نماید، اما در مانحن فیه خواهان دعوی اصلی چک های موضوع دعوی را مستقیماً از خواننده دعوی اصلی دریافت نموده است و بین چک های

صادره و تعهدات مندرج در قرارداد رابطه پایه ای وجود دارد. بنابراین استدلال وکیل خواهان دعوی اصلی در این ارتباط نیز مردود است.

۳- وکیل خواهان ادعا می نماید که در صورت متصف نبودن مبیع به اوصاف موجود در قرارداد، خریدار صرفاً حق فسخ یا قبول مبیع را با اوصاف موجود داشته است و حق حبس ثمن قرارداد را نداشته است.

این ادعا زمانی قابل پذیرش است که مبیع عین شخصی بوده و اوصاف مقرر بین طرفین به منظور تقیید مبیع باشد و نه اشتراط بایع. اگر مبیع عین شخصی معین و به شرط دارا بودن اوصاف خاصی باشد، در این صورت چنانچه مبیع فاقد وصف مذکور باشد خریدار چاره ای جز فسخ یا قبول مبیع در وضعیت موجود را ندارد. اما چنانچه مبیع کلی ما فی الذمه و کثیر الامثال باشد در چنین فرضی نمی توان ادعا کرد که خریدار صرفاً مخیر به فسخ معامله و یا قبول مبیع در کیفیت موجود است، چرا که امکان تبدیل و تعویض نیز وجود دارد و خریدار می تواند الزام فروشنده به تامین و تبدیل مبیع را درخواست نماید. در قرارداد موضوع اختلاف نیز ماشین آلات مورد نظر کلی ما فی الذمه و کثیر الامثال است و فروشنده (خواهان) می توانست با تعویض کمپرسور و افزایش ظرفیت آن به گونه ای اوصاف مبیع را با اوصاف مندرج در قرارداد منطبق نماید.

۴- در خصوص ادعای دیگر خواهان پرونده اصلی خوانده می بایست در مهلت متعارفی عدم انطباق کالای تحویلی با شرایط قرارداد را به خواهان اعلام و درخواست تبدیل مبیع را می نمود و یا اینکه با اقدام قانونی مناسب الزام خواهان دعوی اصلی به ایفای تعهدات را می خواست تا از گارانتی سازنده اصلی استفاده و مبیع معیوب را تعویض می کرد، قابل قبول به نظر می رسد و خریدار (خوانده) در طول یک سال اول از تاریخ تحویل ماشین آلات درخواست استرداد ماشین آلات را به فروشنده نداده و بر عکس ماشین آلات مذکور را به کار انداخته و از آن بهره برداری نموده است. به عبارت دیگر با تحویل مبیع، خریدار از عدم ائصال آن به اوصاف مقرر در قرارداد مطلع شده و می بایست در مهلتی که عرفاً قابل پذیرش است، تبدیل ماشین آلات تحویلی را با ماشین آلات دیگر و یا الزام خواهان را به ایفای تعهدات قراردادی مطالبه میکرد. تاخیر قابل توجه خوانده در اعلام عدم انطباق ماشین آلات، در امور تجاری متعارف نیست و عملاً موجب محرومیت فروشنده از استناد به گارانتی سازنده اصلی گردیده است.

۵- خوانده در آخرین جلسه داورى اقرار به دریافت مبلغ ۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از مبالغ چک ها نمود و بنابراین این خواسته خواهان دعوی اصلی از مبلغ ۸۶۹,۲۸۹,۹۱۵ ریال به مبلغ ۷۹۹,۲۸۹,۹۱۵ ریال کاهش یافت.

۶- خواسته وکیل خواهان دعوی تقابل چنین استنباط می گردد که خواهان دعوی تقابل خواستار بقای قرارداد و اخذ ارزش است، در حالیکه در مانحن فیه ادعای تخلف از وصف مطرح است و اخذ ارزش صرفاً در خیار عیب قابل اعمال است ؛

۷- ادعای وکیل خواهان دعوی تقابل هزینه نصب و راه اندازی با خواهان دعوی اصلی بوده است به صراحت بند ۲-۲ قرارداد مردود است، اگرچه مسئولیت نصب و راه اندازی طبق بند ۲-۵ قرارداد به عهده خواهان دعوی اصلی بوده و به علت عدم نصب و راه اندازی خساراتی به خوانده دعوی اصلی وارد شده است.

با توجه به مطالب مذکور و ادله و استدلالات طرفین، مفاد قرارداد و نظریه کارشناس رسمی دادگستری، داور ختم رسیدگی را در تاریخ ۱۳۹۵/۰۵/۳۰ اعلام و با تکیه بر وجدان و شرف خویش و با استعانت از خداوند متعال به شرح زیر در ماهیت دعوی انشاء رای می نماید:

رای داور :

۱- خواهان دعوی اصلی در آخرین جلسه داوری اقرار به دریافت مبلغ ۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از مبالغ چک ها نمود. بنابراین خواسته خواهان دعوی اصلی از مبلغ ۸۶۹,۲۸۹,۹۱۵ ریال به مبلغ ۷۹۹,۲۸۹,۹۱۵ ریال کاهش می یابد.

۲- به نظر داور، با توجه به اینکه خوانده دعوی اصلی هیچگونه اقدامی جهت مطالبه مبیع بر اساس مشخصات قرارداد در مدت متعارفی از زمان تحویل نکرده است، لذا خواهان دعوی اصلی مستحق دریافت خواسته به شرح مندرج در بند یک مذکور است، ولی از طرف دیگر عدم انطباق اوصاف ماشین آلات تحویلی با آنچه در قرارداد تعیین شده است طبق نظریه کارشناس محرز است و با عنایت به قواعد مسلم فقهی از جمله قواعد "لاضرر" و "اکل مال به باطل" محکوم نمودن خوانده به تادیه کل مبلغ مذکور خلاف انصاف و عدالت است (که خواهان دعوی اصلی مجوز استناد به آنها را به داور اعطاء نموده است). بنابراین داور با لحاظ این موضوع که طرفین دعوی بالسویه در عدم ایفای تعهدات مربوط به خود نقش و دخالت داشته اند، لذا خوانده دعوی اصلی را به پرداخت نصف خواسته مذکور به نفع خواهان دعوی اصلی محکوم می نماید.

۳- با عنایت به اینکه هزینه نصب و راه اندازی ماشین آلات بر اساس بند ۲-۲ قرارداد ۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بوده است و به علت عدم ایفای تعهد خوانده عوی تقابل، خواهان دعوی تقابل مجبور به پرداخت ۱۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال یعنی ۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بیشتر از مبلغ قرارداد شده است، لذا خوانده دعوی تقابل به پرداخت مابه التفاوت مبلغ معادل ۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال در حق خواهان دعوی تقابل محکوم می گردد.

۴- با لحاظ نمودن موارد ۲ و ۳ مذکور و تهاتر مبالغ مربوط به محکومیت هر یک از دو طرف، نهایتاً مستنداً به مواد ۱۰ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و نیز ماده ۲۲۶ قانون مدنی، در مجموع خوانده دعوی اصلی به پرداخت مبلغ ۷۹۹,۲۸۹,۹۱۵ ریال در حق خواهان دعوی اصلی محکوم می گردد.

۵- سایر ادعاهای طرفین دعوی به علت فقد دلیل رد می گردد.

۶- طرفین مکلفند هزینه های داوری را مطابق جدول منضم به آئین نامه مربوط به تعرفه هزینه های داوری پرداخت نمایند. این رای قطعی و پس از ابلاغ، وفق قانون آئین دادرسی مدنی برای طرفین لازم الاتباع است.

دور مرضی الطرفین

آرش سماک عابدی

شماره رای : 100210 / س / 95
تاریخ صدور : 1395/05/30